

پژوهش‌نامه نقد و هابیت؛ سراج منیر ♦ سال یازدهم ♦ شماره ۴۲ ♦ تابستان ۱۴۰۰
صفحات: ۹۱-۷۱ ♦ تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۰ ♦ تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۵/۱۷



بررسی و نقد دیدگاه البانی در مسئله افضلیت

پیامبر اکرم ﷺ

عطاله غفاری*

سیدمصطفی عبدالله‌زاده**

چکیده

محمد سعید رمضان البوطی که از متفکرین معاصر اهل سنت می‌باشد، معتقد است که افضلیت پیامبر ﷺ بر جمیع خلق، یکی از دلایل توسل مردم به ایشان می‌باشد. اما البانی که یکی از علماء و بزرگان وهابیت محسوب می‌شود، در کتاب التوسل انواعه و احکامه، بعد از تقسیم توسل به مشروع و غیرمشروع، توسل به انبیاء و اولیاء را غیرمشروع قلمداد کرده و با طرح اشکالاتی، ادله توسل به انبیاء و اولیاء را رد می‌کند. او معتقد است که ادعای البوطی، مبنی بر افضلیت پیامبر اکرم ﷺ بر جمیع خلق، هیچ دلیل محکم قرآنی و روایی ندارد. البانی در حالی چنین ادعایی را مطرح کرده و افضلیت مطلق پیامبر ﷺ را زیر سؤال می‌برد که برخی از آیات قرآن و همچنین روایات فراوانی از طریق عامه که بسیاری از آنها را البانی تصحیح کرده است، اثبات‌کننده افضلیت پیامبر ﷺ بر جمیع مخلوقات می‌باشند.

از آنجایی که البانی مدعی پیروی از کتاب، سنت و اقوال سلف می‌باشد، پژوهش حاضر بر آن است که با تبیین دیدگاه وی و ارجاع آن به کتاب و سنت و اقوال بزرگان عامه، صحت و سقم ادعای او، مبنی بر عدم دلالت آیات و روایات بر افضلیت پیامبر ﷺ را مورد بررسی قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: افضلیت، پیامبر ﷺ، انبیاء، البانی، ملانکه، توسل.

مقدمه

مسئله افضلیت انبیاء و پیامبر ﷺ بر جمیع خلق یکی از مسائلی است که از گذشته تاکنون از طرف علماء مذاهب اسلامی، ذیل نبوت عامه و خاصه، مورد بحث و اظهار نظر قرار گرفته است؛ زیرا با توجه به وجود پاره‌ای از آیات و روایات علماء امامیه بر افضلیت انبیاء بر ملائکه و افضلیت پیامبر ﷺ بر تمامی مخلوقات، اتفاق نظر داشته‌اند؛ همچنین اکثر علماء عامه مثل ابوحنیفه، لالکائی، ثعلبی، نسفی و دیگران، قائل به افضلیت انبیاء و در رأس آنها پیامبر ﷺ، بر همه مخلوقات بوده و برخی از آنها مانند، سفارینی حنبلی، قسطلانی و ابن تیمیه، در این مسئله، ادعای اتفاق و اجماع کرده‌اند؛ در میان علماء وهابی نیز، افرادی مانند محمد بن عبدالوهاب و دیگران، وجود این افضلیت را اثبات کرده‌اند؛ اما در مقابل این دیدگاه، عده‌ای دیگر مانند ابونصر کلبی، مقاتل بن سلیمان، زجاج، ابن حزم و ابن بطلال، با رد این روایات، قائل به این شده‌اند که انبیاء، افضل از بقیه مردم بوده و ملائکه نیز افضل از انبیاء و سایر مردم می‌باشند.

محمد سعید رمضان البوطی، یکی از متفکرین معاصر اهل سنت در برخی از آثار خویش این نکته را بیان می‌کند که افضلیت پیامبر ﷺ بر جمیع خلق، یکی از ادله توسل مردم به ایشان می‌باشد؛^۱ اما ناصرالدین محمد البانی که یکی از علماء تراز اول وهابیت بوده و ادعای پیروی از کتاب، سنت و اقوال سلف را دارد، در رد سخن رمضان البوطی معتقد است که هیچ دلیل قرآنی و یا روایی قطعی و محکمی، دال بر افضلیت علی‌الاطلاق پیامبر ﷺ وجود ندارد.

در پژوهش حاضر، بعد از تبیین مفهوم لغوی و اصطلاحی واژه «فضل» و مشتقات آن و ذکر ادعای البانی و ادله او، مبنی بر عدم افضلیت پیامبر ﷺ بر جمیع مخلوقات و ارجاع سخن او به کتاب، سنت و نظرات بزرگان اهل سنت، صحت و سقم ادعای او مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱. «فمناط التبرک والتوسل به أو بآثاره صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ليس هو إسناد أي تأثير إليه، والعباد بالله وإنما المناط، كونه صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أفضل الخلائق عند الله على الإطلاق»؛ (البوطی، محمد سعید رمضان، فقه السيرة النبوية، ص ۲۴۰).

مفهوم‌شناسی

افضلیت در لغت

واژه «افضل» صیغه افعال تفضیل از ریشه «فضل» می‌باشد. واژه «فضل» نیز در لغت به معنای اضافی، مازاد،^۱ باقی مانده از چیزی^۲ و برتری در مقابل نقص و کمبود^۳ می‌باشد. واژه «فضیلت» نیز به معنای درجه و رفعت در فضل می‌باشد.^۴ واژه تفاضل نیز به معنای برتری شخصی بر شخص دیگر یا برتری گروهی بر گروه دیگر می‌باشد.^۵ طبق گفته راغب، استعمال فضل برای برتری یک چیز بر چیز دیگر می‌تواند از سه جهت باشد:

اول: برتری از جهت جنس؛ مثل برتری حیوان بر نباتات؛

دوم: از جهت نوع؛ مثل برتری انسان بر حیوان؛

سوم: برتری در ذات؛ مانند برتری یک نفر بر نفر دیگر در رزق و علم و...؛

در دو قسم اول، اکتساب راه ندارد و شیء ناقص، توانایی برطرف کردن نقص خود را ندارد؛ مثلاً گیاه نمی‌تواند حیوان شود، یا حیوان نمی‌تواند انسان شود؛ ولی در قسم سوم، شخص می‌تواند از راه اکتساب، نقص خود را برطرف کند.^۶ منظور از افضلیت انسان و یا انبیاء بر ملائکه نیز، همین مورد سوم می‌باشد؛ چراکه جنس انسان و یا نوع انسان بر جنس و نوع ملک، برتری ندارد.

افضلیت در اصطلاح

متکلمین عامه و امامیه، برای این واژه، دو معنای اصطلاحی، برخوردار از بیشترین

۱. «الْقَاءُ وَالضَّادُّ وَاللَّامُ أَضْلُ صَاحِبٌ يَدُلُّ عَلَى زِيَادَةِ فِي شَيْءٍ»؛ (قزوینی رازی، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۵۰۸).

۲. «والفضل والفضلة: البقية من الشيء»؛ (ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۵۲۵).

۳. «الفضل والفضيلة: خلاف النقص والقيصة»؛ (جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية، ج ۵، ص ۱۷۹۱).

۴. «والفضيلة: الدرجة والرّفعة في الفضل»؛ (فراهیدی بصری، خلیل بن أحمد، کتاب العين، ج ۷، ص ۴۴).

۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۵۲۴.

۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، معجم مفردات الفاظ القرآن، ص ۴۲۷.

پاداش اخروی^۱ و برتری در تقوا، دانایی، نسب و شجاعت را ذکر کرده‌اند.^۲ با نگاه به آثار علمای وهابی نیز، همین دو معنا برای واژه افضلیت دیده می‌شود.^۳

با بررسی مفهوم لغوی و اصطلاحی روشن می‌شود که واژه «افضلیت»، به معنای برتری شخصی بر شخص دیگر است؛ از هر جهتی که فضیلت مورد بررسی قرار گرفته باشد؛ به عنوان مثال، اگر کسی اعلم از دیگری بود، از جهت علمی برتری دارد و اگر کسی اشجع از دیگری بود، از جهت شجاعت افضل می‌باشد؛ اما اگر کسی از هر جهتی بالاتر از دیگران بود، گفته می‌شود که فلان شخص، افضل از تمام مردم می‌باشد.

افضلیت مطلق پیامبر ﷺ

علماء مذهب امامیه، بر اساس روایات فراوانی که از اهل بیت علیهم السلام در این باب وارد شده است،^۴ اجماع و اتفاق بر افضلیت مطلق پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر انبیاء دیگر و بر ملائکه دارند؛^۵ اما در میان اهل سنت، نظرات مختلفی در این باره مطرح شده است؛ زیرا بسیاری از آنها این افضلیت را ثابت دانسته‌اند؛ اما برخی دیگر، این مسئله را رد کرده و برخی دیگر قائل به تفضیل شده‌اند که هر کدام از نظرات، در جای خود ذکر خواهند شد.

در عصر حاضر، یکی از منکرین افضلیت علی الاطلاق پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، ناصرالدین محمد البانی، از علماء بزرگ وهابی می‌باشد. او در کتاب التوسل انواعه و احکامه، در جواب سخن رمضان البوطی این چنین می‌گوید:

۱. «باجوری، برهان‌الدین ابراهیم، تحفة المرید علی جوهره التوحید، ص ۲۳۷»؛ «بزدوی، ابوالیسر محمد، اصول الدین، ص ۱۹۲»؛ «رازی، فخرالدین، مفاتیح الغیب، ج ۱، ص ۲۱۳»؛ «نظام‌الدین نیشابوری، حسن، غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج ۱، ص ۵۳۷»؛ «تفتازانی، مسعود بن عمر، شرح العقائد النسفیة، ص ۶۳»؛ «محقق حلی، جعفر بن حسن، المسلك فی أصول الدین، ص ۲۰۵»؛ «حمصی رازی، سدیدالدین، المنقذ من التقليد، ج ۲، ص ۲۸۶».
۲. «تفتازانی، مسعود بن عمر، شرح العقائد النسفیة، ص ۶۳»؛ «محقق حلی، جعفر بن حسن، المسلك فی أصول الدین، ص ۲۰۵»؛ «حمصی رازی، سدیدالدین، المنقذ من التقليد، ج ۲، ص ۲۸۶».
۳. «دمیحی، عبدالله بن عمر، الإمامة العظمی عند أهل السنة و الجماعة، ج ۱، ص ۱۷۰».
۴. «یا علی ان الله تبارک و تعالی فضل انبیائه المرسلین علی ملائکته المقربین و فضلتی علی جمیع النبیین و المرسلین و الفضل بعدی لك یا علی و للائمه من بعدك و ان الملائکة لخدامنا و خدام محبینا»؛ «ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۶۳»؛ «حر عاملی، محمد بن حسن، الفصول المهمة، ج ۱، ص ۴۳۶».
۵. «ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، الاعتقادات، ص ۲۷۱»؛ «مفید، محمد بن محمد، اوائل المقالات، ص ۲۶۵»؛ «سیوری حلی، جمال‌الدین مقداد بن عبدالله، ارشاد الطالبین الی نهج المسترشدين، ص ۳۲۲».

دکتر ادعا می‌کند که ما، به پیامبر ﷺ به خاطر اینکه افضل الخلائق هست، متوسل می‌شویم؛ در حالی که این عقیده ثابت نمی‌شود، مگر به واسطه نصی که از نظر ثبوت و دلالت قطعی باشد، یا آیه قطعی الدلالة یا حدیث متواتر قطعی الدلالة؛ حال کجاست این چنین دلیلی که چنین ادعایی را ثابت کند؟^۱

برای اثبات صحت و سقم ادعای البانی و موافقت و مخالفت سخن او با آیات، روایات و کلمات علماء اهل سنت، بحث افضلیت پیامبر ﷺ در چهار محور اصلی ذیل پیگیری می‌گردد.

الف: افضلیت برخی از انبیاء بر برخی دیگر؛

ب: افضلیت پیامبر ﷺ بر سایر انبیاء؛

ج: افضلیت انبیاء بر ملائکه؛

د: افضلیت پیامبر ﷺ بر ملائکه؛

اول: افضلیت برخی از انبیاء به برخی دیگر

با وجود اینکه انبیاء الهی به حکم «لَا تُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ»، در اصل مسئله نبوت و رسالت با هم اشتراک داشته و تمامی آنها، پیامبران الهی محسوب می‌شوند؛ لکن به حکم «تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ»^۲ و همچنین: «وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَى بَعْضٍ»^۳، اصل وجود مفاضله بین انبیاء ثابت بوده و اجماع مسلمین به جز عده‌ای (مانند ضرار بن عمر غطفانی)،^۴ معتقد بدان می‌باشند.^۵

۱. «أن الدكتور قد ادعى أن النبي صلى الله عليه وسلم أفضل الخلائق عند الله على الإطلاق. وهذه عقيدة، وهي لا تثبت عنده، إلا بنص قطعي الثبوت قطعي الدلالة^۲، أي آية قطعية الدلالة، أو حدیث متواتر قطعي الدلالة، فأین هذا النص الذي يثبت كونه صلى الله عليه وسلم أفضل الخلائق عند الله على الإطلاق؟» (البانی، محمد، التوسل أنواعه وأحكامه، ص ۱۴۹).

۲. «این پیامبران را، برخی بر بعضی برتری و فضیلت دادیم»؛ (سوره بقره، ص ۲۵۳).

۳. «همانا ما بعضی از انبیاء را بر بعضی دیگر برتری دادیم»؛ (سوره اسراء، آیه ۵۵).

۴. «زعم ضرار أنه لم يكن بعض الأنبياء أفضل من بعض»؛ (بغدادی، عبدالقاهر بن طاهر، اصول الدین، ص ۱۸۶).

۵. «طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تأویل القرآن»، ج ۵، ص ۳۷۸؛ «بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن»، ج ۱، ص ۳۴۲؛ «بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل وأسرار التأویل»، ج ۱، ص ۱۵۲؛ «فخرالدین رازی، محمد، مفاتیح الغیب»، ج ۶، ص ۵۲۱».

دوم: افضلیت پیامبر ﷺ بر سایر انبیاء

بعد از اینکه ثابت شد، خداوند به طور اجمالی برخی از انبیاء را برتر از برخی دیگر قرار داده، می‌توان گفت که با یک نگاه کلی، روایاتی که در مورد مفاضله بین پیامبر ﷺ و سایر انبیاء وارد شده‌اند، به دو دسته تقسیم می‌شوند.

الف: روایاتی که نهی از مفاضله می‌کنند؛

ب: روایاتی که تصریح به مفاضله کرده و در بردارنده جهات برتری نیز می‌باشند؛

دسته اول: روایات نهی کننده از مفاضله

برخی از این روایات را بخاری و مسلم در صحیحین آورده‌اند. بخاری به سند خود از ابوهریره نقل می‌کند که پیامبر ﷺ، در مجادله بین یک یهودی و یک مسلمان بر سر افضلیت پیامبر ﷺ و حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند: بین انبیاء، قائل به تفضیل و برتری نشوید.^۱

شبهه این روایت را، هم بخاری و هم مسلم از ابوسعید خدری نقل کرده‌اند؛^۲ همچنین بخاری از ابن عباس نقل می‌کند: شایسته نیست که کسی بگوید من بهتر از یونس بن متی هستم.^۳

توجیه روایات نهی از تفضیل

اما علماء اهل سنت در مقام جمع بین روایات نهی و روایات در بردارنده مفاضله، چند توجیه مهم را ذکر کرده‌اند.

اول: روایات نهی، قبل از علم پیامبر ﷺ نسبت به افضلیت خویش بر بنی آدم بوده است. دوم: نهی به خاطر تواضع بوده است.

سوم: منظور روایات نهی کردن از مفاضله‌ای بوده که منجر به تنقیص انبیاء می‌شود.

۱. «لَا تَفْضَلُوا بَيْنَ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ، فَإِنَّهُ يَفْخُ فِي الصُّورِ، فَيَضَعُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ»؛ (بخاری، محمد، صحیح البخاری، ج ۴، ص ۱۵۹، ح ۳۴۱۴).

۲. «لَا تُخَيِّرُوا بَيْنَ الْأَنْبِيَاءِ»؛ (همان، ج ۳، ص ۱۲۱، ح ۲۴۱۲)؛ (نیشابوری، مسلم، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۴۵، ح ۲۳۷۴).

۳. «عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: لَا يَتَّبِعِي لِعَبْدٍ أَنْ يَقُولَ: أَنَا خَيْرٌ مِنْ يُوسُفَ بْنِ مَتَّى. وَنَسَبَهُ»؛ (بخاری، محمد، صحیح البخاری، ج ۳، ص ۱۵۳، ح ۳۳۹۵)؛ (نیشابوری، مسلم، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۴۶، ح ۲۳۷۷).

چهارم: منع تفضیل در حد نبوت و رسالت بوده است؛ زیرا همه انبیاء در نبوت و رسالت در مرتبه واحد هستند.^۱

دسته دوم: روایات تصریح کننده به مفاضله

اما با وجود اینکه روایاتی در نهی از مفاضله بین انبیاء وارد شده! روایاتی نیز وجود دارد که دال بر افضلیت پیامبر ﷺ بر سایر انبیاء می باشد.

روایت اول

مسلم از ابوهریره نقل می کند که پیامبر ﷺ فرمودند:

من به واسطه شش چیز بر انبیاء فضیلت دارم. جوامع کلم به من عطا شده است؛ به واسطه ترسی که در دل دشمن افتاد، یاری شدم. غنائم بر من حلال شد. زمین برای من مسجد و پاک کننده قرار داده شد. بر همه مردم به عنوان پیامبر مبعوث شدم و نبوت با من ختم شد.^۲

ترمذی این روایت را «صحیح حسن»^۳ و شعیب ارنؤوط،^۴ البانی^۵ و احمد شاکر^۶ آن را صحیح می دانند؛ همچنین این حدیث را سراج نیشابوری با اختلاف در الفاظ با سند دیگری از ابوهریره نقل می کند.^۷

۱. «قاضی یحیی، عیاض بن موسی، الشفا بتعریف حقوق المصطفی، ج ۱، ص ۴۳۸»؛ «ابن کثیر دمشقی، اسماعیل، تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۵۱۱»؛ «سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، التوشیح شرح الجامع الصحیح، ج ۵، ص ۲۲۰۲، ح ۳۴۱۲»؛ «همان، إتمام الدرایة لقرآء النقایة، ص ۱۷»؛ «ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم، تأویل مختلف الحدیث، ص ۱۸۳»؛ «قرطبی، محمد، الجامع لأحكام القرآن، ج ۳، ص ۲۶۲»؛ «ابن حجر عسقلانی، احمد، فتح الباری، ج ۶، ص ۴۱۳»؛ «خطابی، ابراهیم بن خطاب، معالم السنن، ج ۴، ص ۳۰۹».

۲. «فُضِّلْتُ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ بِسِتٍّ: أُعْطِيتُ جَوَامِعَ الْكَلِمِ، وَنُصِرْتُ بِالرُّعْبِ، وَأُجِلْتُ لِي الْعَنَائِمُ، وَجُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ طَهُورًا وَمَسْجِدًا، وَأُرْسِلْتُ إِلَى الْخَلْقِ كَافَّةً، وَخُتِمَ بِي النَّبِيُّونَ»؛ (نیشابوری، مسلم، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۵۲۳»؛ «ترمذی، محمد، سنن الترمذی، ج ۳، ص ۱۷۵، ح ۱۵۷۳».

۳. ترمذی، محمد، سنن الترمذی، ج ۳، ص ۱۷۵، ح ۱۵۵۳.

۴. «إسناده صحیح علی شرط مسلم»؛ (ابن حبان، محمد، صحیح ابن حبان، ج ۶، ص ۸۷، ح ۲۳۱۳).

۵. البانی، محمد ناصرالدین، إرواء الغلیل فی تخریج أحادیث منار السبیل، ج ۱، ص ۳۱۵، ح ۲۸۵.

۶. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تأویل القرآن، ج ۵، ص ۳۷۹.

۷. «حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ سَعِيدٍ الدَّرَامِيُّ ثَنَا سَهْلُ بْنُ بَكَّارٍ ثَنَا أَبُو عَوَانَةَ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبِي سَلَمَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: فَضَّلْتُ عَلَى النَّبِيِّينَ بِسِتٍّ، أُوتِيتُ جَوَامِعَ الْكَلِمِ، وَنُصِرْتُ بِالرُّعْبِ، يَبْنَانَا أَنَا نَائِمٌ أُتِيتُ بِمَفَاتِيحِ خَزَائِنِ الْأَرْضِ، فَجُعِلَتْ فِي يَدِي وَأُرْسِلْتُ إِلَى النَّاسِ كَافَّةً، وَأُجِلْتُ لِي الْعَنَائِمُ، وَخُتِمَ بِي النَّبِيُّونَ»؛ (سراج نیشابوری، محمد بن إسحاق، مسند السراج، ص ۱۷۵، ح ۴۹۲).

روایت دوم

مسلم نیشابوری به سند خود از ابوهریره نقل می کند که پیامبر ﷺ فرمودند:
 من سرور فرزندان آدم هستم و اولین کسی هستم که از قبر بر می خیزم و اولین
 شفیع محشر هستم.^۱

این روایت را ابن ماجه نیز به سند خود از ابوسعید خدری نقل کرده^۲ که شعيب ارنؤوط
 محقق سنن ابن ماجه، آن را تصحیح کرده و البانی نیز آن را صحیح لغیره می داند؛^۳
 همچنین این روایت را ابن حبان به سند خود از از واثله بن اسقع، از پیامبر ﷺ نقل کرده
 است^۴ که البانی آن را تصحیح کرده است.^۵

ابن حبان این روایت را از طریق عبدالله بن سلام از پیامبر ﷺ نقل کرده است؛^۶ اما
 با وجود اینکه ابن هجر هیثمی، این روایت را به خاطر وجود عمر بن عثمان کلایی تضعیف
 کرده است،^۷ البانی این روایت را تصحیح کرده^۸ و شعيب ارنؤوط محقق صحیح ابن حبان و
 صاحب کتاب انیس الساری،^۹ آن را صحیح لغیره دانسته اند؛ از طرفی، ابن حبان او را توثیق

۱. «أنا سيّد ولد آدم ، وأنا أوّل من تشقّق عنه الأرض ، وأنا أوّل شافعٍ وأوّل مشفّعٍ»؛ (نیشابوری، مسلم، صحیح مسلم، ج ۴،
 ص ۱۷۸۲، ح ۲۲۷۸)؛ «ابن ابی شیبیه، عبدالله، المصنّف في الأحاديث والآثار، ج ۶، ص ۳۱۷، ح ۳۱۷۲۸»؛ (ابوداود سجستانی،
 سلیمان، سنن ابی داود، ج ۴، ص ۲۱۸، ح ۴۶۷۳)؛ (ابن -خزیمه، ابوبکر محمد بن اسحاق، کتاب التوحید، ج ۲، ص ۶۲۱).

۲. «عن أبي سعيد، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: أنا سيّد ولد آدم، ولا فخر، وأنا أوّل من تشقّق الأرض عنه يوم
 القيامة، ولا فخر، وأنا أوّل شافعٍ، وأوّل مشفّعٍ، ولا فخر، ولو شاء الحمّد بيدي يوم القيامة، ولا فخر»؛ (ابن ماجه قزوینی، محمد بن
 یزید، سنن ابن ماجه، ج ۵، ص ۳۶۲، ح ۴۲۰۸).

۳. البانی، محمد ناصرالدین، صحیح الترغیب و الترهیب، ج ۲، ص ۲۳۹، ح ۳۵۴۳.

۴. «أخبرنا ابن سلم، قال: حدّثنا عبد الرحمن بن إبراهيم، قال: حدّثنا الوليد بن مسلم، قال: حدّثنا الأوزاعي، قال: حدّثني
 شدّاد أبو عمّار، عن واثله بن الأسقع، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: إن الله اصطفى كنانة من ولد إسماعيل،
 واصطفى قريشاً من كنانة، واصطفى بني هاشم من قريش، واصطفاني من بني هاشم، فأنا سيّد ولد آدم ولا فخر، وأوّل من
 تشقّق عنه الأرض، وأوّل شافعٍ، وأوّل مشفّعٍ»؛ (ابن حبان، محمد، صحیح ابن حبان، ج ۱۴، ص ۱۳۵، ح ۶۲۲۲).

۵. البانی، محمد ناصرالدین، سلسلة الاحاديث الصحيحة، ج ۲، ص ۶۱۰، ح ۳۰۲.

۶. «أخبرنا أحمد بن علي بن المثنى، قال: حدّثنا عمرو بن محمد الناقذ، قال: حدّثنا عمرو بن عثمان الكلابي، قال: حدّثنا
 موسى بن أعين، عن معمر بن راشد، عن محمد بن عبد الله بن أبي يعقوب، عن بشر بن شافعٍ، عن عبد الله، قال: قال رسول
 الله صلى الله عليه وسلم: أنا سيّد ولد آدم يوم القيامة ولا فخر، وأوّل من تشقّق عنه الأرض، وأوّل شافعٍ، ومشفّعٍ بيدي لواء
 الحمّد، تحتي آدم فمنّ دونه»؛ (ابن حبان، محمد، همان، ج ۱۴، ص ۳۹۸، ح ۶۴۷۸).

۷. هیثمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۸، ص ۲۵۴، ح ۱۳۹۲۳.

۸. البانی، محمد ناصرالدین، سلسلة الاحاديث الصحيحة، ج ۴، ص ۱۰۱، ح ۱۵۷۱.

۹. «إسناده ضعيف لضيف عمرو بن عثمان وللحديث شواهد»؛ (بصاره كويتی، نبیل بن منصور، انیس الساری، ج ۱۰، ص ۸۵۷،
 ح ۷۲۷).

کرده است.^۱

شبهه این نقل‌ها را احمد بن حنبل آورده و شعیب از نؤوط آن را حدیث حسن می‌داند؛^۲ همچنین ابن‌ابی‌عاصم در السنة نقل کرده و ناصرالدین البانی در تحقیق این روایت، آن را حسن دانسته و همه رجال، آن را به جز والان العدوی، از ثقات معرفی می‌کنند؛^۳ اما در ادامه می‌گوید که ابن‌معین،^۴ ابن‌حبان،^۵ او را توثیق کرده‌اند؛ غیر از اینها، ابن‌شاهین نیز، او را توثیق کرده است.^۶

روایت سوم

حاکم نیشابوری به سند خود، از ابوهریره از پیامبر ﷺ نقل می‌کند:
سرور انبیاء پنج نفر هستند و محمد ﷺ سرور آن پنج پیامبر می‌باشد.^۷
حاکم نیشابوری، ذهبی و ابن‌حجر هیثمی^۸ این روایت را تصحیح کرده‌اند.

روایت چهارم

طبرانی نقل می‌کند که پیامبر ﷺ به حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند:
به ما اهل بیت ﷺ هفت خصلت عطا شده که به احدی از اولین و آخرین عطا
نشده است. پیامبر ما بهترین پیامبران است و او پدر توست.^۹

با توجه به روایاتی که گذشت، بسیاری از بزرگان اهل سنت از جمله احمد بن حنبل،^{۱۰}

۱. ابن‌حبان دارمی، محمد، الثقات، ج ۸، ص ۴۸۳، ش ۱۴۵۶۳.
۲. «إسناده حسن، أبونعامة: هو عمرو بن عيسى بن سويد العدوي، وثقه ابن‌معين والنسائي وابن‌حبان»؛ (ابن‌حنبل شیبانی، أحمد، مسند أحمد بن حنبل، ج ۱، ص ۱۹۵).
۳. ابن‌ابی‌عاصم، أحمد، السنة، ص ۳۱۱، ح ۷۵۱.
۴. ابن‌ابی‌حاتم رازی، عبدالرحمن بن محمد، الجرح و التعديل، ج ۹، ص ۴۳، ش ۱۸۴.
۵. ابن‌حبان دارمی، محمد، الثقات، ج ۵، ص ۴۹۷، ح ۵۹۱۳.
۶. ابن‌شاهین، عثمان بن أحمد، تاریخ أسماء الثقات، ج ۱، ص ۲۴۷، ش ۱۵۰۷.
۷. «سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ خَمْسَةٌ وَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَيِّدُ الْخَمْسَةِ: نُوحٌ وَإِبْرَاهِيمُ وَمُوسَى وَعِيسَى وَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ وَسَلَّمَ عَلَيْهِ عَلَيْهِمْ: هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ الْإِسْنَادِ وَإِنْ كَانَ مُؤَقَّوفاً عَلَى أَبِي هُرَيْرَةَ»؛ (حاکم نیشابوری، محمد، المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۵۹۵، ح ۴۰۰۷).
۸. هیثمی، علی بن‌ابی‌بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۸، ص ۲۵۵، ح ۱۹۲۸.
۹. «نبينا خير الأنبياء وهو أبوك، وشهيدنا خير الشهداء»؛ (طبرانی، سليمان، المعجم الصغير، ج ۱، ص ۷۵، ح ۹۴)؛ (ابن‌المغازلي، علی بن محمد، مناقب أمير المؤمنين علی بن‌أبي‌طالب ﷺ، ج ۱، ص ۱۵۸، ح ۱۴۴).
۱۰. «كَانَ يَقُولُ إِنَّ بَعْضَ النَّبِيِّينَ أَفْضَلُ مِنْ بَعْضِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَفْضَلُهُمْ»؛ (ابن‌حنبل شیبانی، أحمد بن محمد، العقيدة رواية أبي بكر الخلال، ص ۱۲۶)؛ (ابن‌ابی‌یعلی، محمد، طبقات الحنابلة، ج ۲، ص ۳۰۶).

ابوبکر خلال،^۱ آجری،^۲ ابن تیمیه،^۳ ابن کثیر^۴ و بیضاوی،^۵ قائل به افضلیت پیامبر ﷺ بر سایر انبیاء می‌باشند.

سوم: افضلیت انبیاء بر ملائکه

اصلی‌ترین اختلاف در این مسئله، این است که آیا انبیاء و صالحین بشر، بر ملائکه فضیلت دارند؟ یا اینکه ملائکه افضل از آنها هستند، یا هیچ‌کدام فضیلتی بر هم ندارند؟ خداوند در برخی از آیات قرآن، سخن از کرامت و فضیلت بنی آدم به میان آورده و در یک آیه می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾.^۶ اختلاف در تفسیر این آیه به‌خاطر واژه «کثیر» می‌باشد که مجموعاً، اقوال مفسرین اهل سنت را به چهار قول رسانده است.

اول: برخی از مفسرین اهل سنت مانند ابونصر کلبی،^۷ مقاتل بن سلیمان،^۸ زجاج،^۹ و اژه «کثیر» در آیه بالا را به معنای «بسیار» تفسیر کرده‌اند. این نوع از تفسیر، این احتمال را به ذهن متبادر می‌کند که آنها، انسان‌ها را افضل از همه خلق به جز ملائکه دانسته و ملائکه را افضل از بشر می‌دانند. برخی نیز، ادعا می‌کنند که اکثریت معتزله^{۱۰} و بعضی از اشاعره^{۱۱}

۱. «نَحْنُ نَفْخَرُ عَلَى الْأُمَّمِ كُلِّهَا أَنْ نَبِينًا أَفْضَلَ الْأَنْبِيَاءِ»: (خلال، أحمد بن محمد، السنه، ص ۲۴۰، ش ۲۷۵).

۲. آجری، محمد، الشریعة، ج ۳، ص ۱۵۵۲.

۳. «أفضل أولیاء الله هم أنبیاءه وأفضل أنبیائه هم المرسلون منهم وأفضل المرسلین أولو العزم ... أفضل أولی العزم محمد صلی الله علیه وسلم خاتم النبیین وإمام المتقین وسید ولد آدم وإمام الأنبیاء»: (ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، مجموع الفتاوی، ج ۱۱، ص ۱۶۲).

۴. «ولا خلاف أن الرسل أفضل من بقية الأنبياء، وأن أولی العزم منهم أفضلهم، وهم الخمسة ... ولا خلاف أن محمدا صلی الله علیه وسلم أفضلهم، ثم بعده إبراهيم، ثم موسى ثم عيسى»: (ابن کثیر دمشقی، اسماعیل، تفسیر القرآن العظیم، ج ۵، ص ۸۱).

۵. بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل وأسرار التأویل، ج ۱، ص ۱۵۲.

۶. «ومحققا ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آنها را (بر مرکب) در بر و بحر سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه آنها را روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت کامل بخشیدیم»: (سوره اسراء، آیه ۷۰).

۷. بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۴۵.

۸. ازدی بلخی، مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج ۲، ص ۵۴۱.

۹. زجاج، إبراهیم، معانی القرآن و إعرابه، ج ۳، ص ۲۵۲.

۱۰. سفارینی حنبلی، محمد بن أحمد، لوازم الأنوار البهیة، ج ۲، ص ۴۰۰.

۱۱. ابویوسف شطیفي، محمد عبدالرحمن، مباحث المفاضلة فی العقیده، ص ۳۵۴.

مثل ابواسحاق اسفراینی، ابوبکر باقلانی،^۱ ابو عبدالله الحلیمی،^۲ ابن حزم اندلسی،^۳ ابن بطال،^۴ همین اعتقاد را دارند.

دوم: برخی دیگر، در تفضیل هر کدام از بشر و ملک، بر یکدیگر توقف کرده‌اند. این نظریه به ابوحنیفه انتساب داده شده و کسانی مانند قرطبی^۵ در این گروه جای دارند.

البته باید توجه کرد که به نظر می‌رسد، صاحبان دو نظریه بالا، انبیاء، علی‌الخصوص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را استثناء کرده و انبیاء را افضل از ملائکه می‌دانند؛ مخصوصاً اینکه بسیاری از علماء اهل سنت مانند سیوطی، تاج‌الدین سبکی، سراج البلقینی، بدرالدین زرزکی، فخر رازی،^۶ سفارینی حنبلی،^۷ قسطلانی،^۸ ابن تیمیه،^۹ ادعای اجماع و اتفاق بر افضلیت صالحین و خواص بشر، علی‌الخصوص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را بر ملائکه دارند.

سوم: برخی قائل به تفصیل شده و عوام مومنین را افضل از عوام ملائکه و خواص مومنین را افضل از خواص ملائکه می‌دانند. بزرگانی چون بغوی،^{۱۰} سمعانی،^{۱۱} این نظریه

۱. ابن حزم، علی بن أحمد، الفصل، ج ۵، ص ۱۶.

۲. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الحبانک، ص ۲۰۳.

۳. ابن حزم اندلسی، علی بن أحمد، المحلی بالآثار، ج ۱، ص ۳۳.

۴. «قال بن بطال هذا نص في أن الملائكة أفضل من بني آدم وهو مذهب جمهور أهل العلم وعلى ذلك شواهد من القرآن مثل إلا أن تكونا ملكين أو تكونا من الخالدين والخالد أفضل من الفاني فالملائكة أفضل من بني آدم»؛ (ابن حجر عسقلانی، احمد، فتح الباری، ج ۱۳، ص ۳۸۶).

۵. «والملائكة هم الخارجون عن الكثير المفضول، ولم تتعرض الآية لذكرهم، بل يحتمل أن الملائكة أفضل، ويحتمل العكس، ويحتمل التساوي، وعلى الجملة فالكلام لا ينتهي في هذه المسألة إلى القطع»؛ (قرطبی، محمد، الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۰، ص ۲۹۴).

۶. «سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الحبانک، ص ۲۰۳»؛ «سفارینی حنبلی، محمد بن أحمد، لوامع الأنوار البهية، ج ۲، ص ۴۰۰»؛

۷. سفارینی حنبلی، محمد بن أحمد، لوامع الأنوار البهية، ج ۲، ص ۴۰۰-۳۹۸.

۸. «فقال جمهور أهل السنة والجماعة: خواص بني آدم وهم الأنبياء أفضل من خواص الملائكة وهم جبريل وميكائيل وإسرافيل وعزرائيل وحملة العرش والمقربون والكروبيون والروحانيون»؛ (قسطلانی، احمد بن محمد، المواهب اللدنية بالمنح المحمدية، ج ۲، ص ۵۱۵).

۹. «قل ما في هذه الآثار أن السلف الأولين كانوا يتناقلون بينهم: أن صالحی البشر أفضل من الملائكة من غير تكبر منهم لذلك ولم يخالف أحد منهم في ذلك»؛ (ابن تیمیه، احمد بن عبدالحمیم، مجموع الفتاوى، ج ۴، ص ۳۶۹)؛ (همان، منهاج السنة النبوية، ج ۲، ص ۴۱۷).

۱۰. بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزيل في تفسير القرآن، ج ۳، ص ۱۴۵.

۱۱. سمعانی، منصور، تفسير القرآن، ج ۳، ص ۲۶۳.

را ارائه داده‌اند.

چهارم: ولی برخی دیگر^۱ «کثیر» را به جمیع تفسیر کرده و می‌گویند: صالحین بشر به صورت مطلق، أفضل از ملائکه هستند. افرادی مانند لالکائی،^۲ ثعلبی،^۳ نسفی،^۴ قشیری،^۵ صاحب این نظریه هستند؛ همچنین برخی ادعا می‌کنند، این نظر جمهور اهل سنت می‌باشد.^۶

به نظر این عده، واژه «کثیر» به معنای «کل» می‌باشد؛ همان طوری که در آیات دیگر نیز، این مورد اتفاق افتاده است؛ مثلاً در آیه ۲۲۳ سوره شعراء،^۷ واژه «کثیر» به «کل» تفسیر شده است.^۸ طبری در تفسیر این آیه بدون ذکر اختلافات موجود، صرفاً یک روایت را ذکر کرده است که نشان‌دهنده اعتقاد او به افضلیت انسان بر ملک می‌باشد.^۹

از آیات دیگری که ظهور در افضلیت صالحین بشر بر ملائکه دارد، آیه هفتم "سوره یینه" می‌باشد. خداوند در این آیه می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ﴾.^{۱۰} برخی مانند طبری،^{۱۱} ثعلبی،^{۱۲} ابن عطیه اندلسی^{۱۳} و قشیری «البریة» را به

۱. «فقال قوم: فضلو على جميع الخلق وعلى الملائكة كلهم، وقد يوضع الأكثر موضع الكل»: (بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۴۵).

۲. لالکائی، هبة الله، شرح أصول اعتقاد أهل السنة والجماعة، ج ۷، ص ۱۳۰۸.

۳. ثعلبی، أحمد، الكشف والبيان عن تفسير القرآن، ج ۶، ص ۱۱۵.

۴. نسفی، عبدالله، مدارك التنزیل وحقائق التأویل، ج ۲، ص ۲۶۹.

۵. قشیری، عبدالکریم، لطائف الإشارات، ج ۲، ص ۳۶۱.

۶. «ابن حجر عسقلانی، احمد، فتح الباری، ج ۱۳، ص ۳۸۶»؛ «ابویوسف شطیفی، محمد، مباحث المفاضلة فی العقيدة، ص ۳۵۵».

۷. ﴿هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلَىٰ مَن نُّنَزِّلُ السُّورَاتِ لِيُنذَرْنَ فِيهَا وَيُذَكَّرَ بِهَا وَلَهُمْ فِيهَا آيَاتٌ لِّمَن يَعْلَمُ﴾ (سوره شعراء، آیات ۲۲۳-۲۲۲).

۸. «ابن ابی‌زمین، محمد بن عبدالله، تفسیر القرآن العزیز، ج ۳، ص ۲۹۱»؛ «سمعانی، منصور، تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۷۱»؛ «بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل وأسرار التأویل، ج ۴، ص ۱۵۲».

۹. «قالت الملائكة: يا ربنا إنك أعطيت بني آدم الدنيا يأكلون منها، ويتنعمون، ولم تعطنا ذلك، فأعطنا في الآخرة، فقال: وعزتي لا أجعل ذرية من خلقت بيدي، كمن قلت له كن فکان»؛ (طبری، محمد بن جریر، جامع البيان فی تأویل القرآن، ج ۱۷، ص ۵۰۱).

۱۰. «أتان که ایمان آوردند و نیکوکار شدند آنها به حقیقت بهترین خلق هستند»؛ (سوره یینه، ص ۷).

۱۱. طبری، محمد بن جریر، جامع البيان فی تأویل القرآن، ج ۲۴، ص ۵۴۲.

۱۲. ثعلبی، أحمد، الكشف والبيان عن تفسير القرآن، ج ۱۰، ص ۲۶۲.

۱۳. ابن عطیه اندلسی، عبدالحق، المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، ج ۵، ص ۵۰۸.

«الخليقة» تفسیر کرده‌اند که می‌تواند دال بر این باشد که در نظر اینها، مؤمنین افضل خلق هستند؛ ابن‌ابی‌حاتم رازی نیز، در تفسیر این آیه نقل می‌کند که ابوه‌ریره معتقد بوده، مقام عبد مومن نزد خدا در قیامت، از ملائکه بالاتر است.^۱

احمد بن حنبل نیز از کسانی است که قائل به افضلیت بنی‌آدم بر ملائکه بوده است.^۲

ابوبکر خلال در این باره می‌گوید:

احمد بن حنبل همیشه می‌گفت که بعضی از انبیاء، افضل از بعض دیگر هستند و پیامبر ﷺ افضل از همه انبیاء می‌باشد. بعضی از ملائکه هم افضل از بعضی دیگر هستند؛ همانا بنی‌آدم افضل از ملائکه بوده و کسی که ملائکه را برتر از بنی‌آدم می‌داند، خطا می‌کند.^۳

از میان علماء وهابیت، ابن‌عثیمین نیز افضلیت صالحین بشر بر ملائکه را، قول راجح دانسته^۴ و در تفسیر آیه هفتم "سوره بینه"، «البرية» را به «الخليقة» تفسیر می‌کند.^۵

ابن‌قیم در این باره می‌گوید:

خداوند به انسان فضیلت، کرم، شرف و خلقت ویژه‌ای اعطا کرده و او را برای خود خلق کرده است. آسمان و زمین و ملائکه را به تسخیر او درآورده و کتب را به‌سوی او و برای او نازل کرده و انبیاء را به‌سوی او ارسال کرده است... و فضل او را بر ملائکه و پایین‌تر از آن اظهار کرده است؛ پس مؤمن، از نوع انسان خیر البرية علی‌الاطلاق می‌باشد.^۶

۱. «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: أَعْجَبُونِ مِنْ مَنَزَلَةِ الْمَلَائِكَةِ مِنَ اللَّهِ؟ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَمَنْزِلَةُ الْعَبْدِ الْمُؤْمِنِ عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَكْبَرُ مِنْ مَنَزَلَةِ مَلَكٍ، وَاقْرءُوا إِنَّ شِئْتُمْ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ»؛ (رازی، ابن‌ابی‌حاتم، تفسیر القرآن العظیم لابن‌ابی‌حاتم، ج ۱۰، ص ۳۴۵۴، ح ۱۹۴۳۰)؛ (ابن‌ابی‌زمین، محمد بن عبد الله، تفسیر القرآن العزیز، ج ۵، ص ۱۵۲)؛ (سیوطی، عبدالرحمن، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۸، ص ۵۸۹).

۲. «ابن‌ابی‌یعلی، محمد، طبقات الحنابلة، ج ۲، ص ۳۰۶-۲۷۹»؛ «سفارینی حنبلی، محمد بن أحمد، لوامع الأنوار البهية، ج ۲، ص ۳۹۸».

۳. «كَانَ يَقُولُ إِنَّ بَعْضَ النَّبِيِّينَ أَفْضَلُ مِنْ بَعْضِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَفْضَلُهُمْ وَالْمَلَائِكَةُ أَيْضًا بَعْضُهُمْ أَفْضَلُ مِنْ بَعْضٍ وَإِنَّ بَنِي آدَمَ أَفْضَلُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَيُعْطَى مِنْ فَضْلِ الْمَلَائِكَةِ عَلَى بَنِي آدَمَ»؛ (ابن‌حنبل شیبانی، أحمد بن محمد، العقيدة رواية أبي بكر الخلال، ص ۱۲۶).

۴. ابن‌عثیمین، محمد بن صالح، مجموع فتاوی و رسائل، ج ۱، ص ۲۸۱.

۵. ابن‌عثیمین، محمد بن صالح، الكنز الثمین تفسیر ابن‌عثیمین، ج ۴، ص ۵۳۶.

۶. «فَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ سَبْحَانَهُ وَتَعَالَى اخْتَصَّ نَوْعَ الْإِنْسَانِ مِنْ بَيْنِ خَلْقِهِ بِأَنْ كَرَّمَهُ وَفَضَلَهُ، وَشَرَفَهُ، وَخَلَقَهُ لِنَفْسِهِ، وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ لَهْ، وَخَصَّهُ مِنْ مَعْرِفَتِهِ وَمَحَبَّتِهِ وَقَرَبِهِ وَإِكْرَامِهِ بِمَا لَمْ يُعْطِهِ غَيْرُهُ، ... وَأَظْهَرَ فَضْلَهُ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَمَنْ دُونَهُمْ مِنْ جَمِيعٍ

با توجه به مطالبی که گذشت، این نتیجه به دست می‌آید که علی‌رغم ادعای البانی مبنی بر نبود دلیل محکم بر افضلیت پیامبر ﷺ بر جمیع خلق، بسیاری از محدثین و بزرگان اهل سنت، قائل به افضلیت انبیاء بر ملائکه بوده و بر افضلیت پیامبر ﷺ بر جمیع مخلوقات نیز ادعای اجماع کرده‌اند.

چهارم: افضلیت پیامبر ﷺ بر ملائکه

بعد از اثبات افضلیت انبیاء بر ملائکه باید گفت که پاره‌ای از روایات وجود دارند که دال بر افضلیت پیامبر ﷺ بر ملائکه می‌باشند.

روایت اول

طبرانی به طریق خود از ابن عباس نقل می‌کند:

خداوند، محمد ﷺ را بر اهل آسمان و اهل زمین، فضیلت و برتری داده است.^۱

همین روایت را دارمی در سنن خود، از ابن عباس نقل کرده و حسین سلیم اسد الدارانی محقق سنن دارمی، اسناد آن را تصحیح کرده است؛^۲ همچنین، الغمری شارح سنن دارمی هم، این روایت را دال بر افضلیت انبیاء بر ملائکه می‌داند؛^۳ همچنین، حاکم نیشابوری این حدیث را در المستدرک آورده و سند آن را صحیح دانسته است؛ همچنین، ذهبی^۴ و ابن حجر هیثمی^۵ نیز آن را تصحیح کرده و رجال آن را ثقه می‌دانند.

المخلوقات»؛ (ابن قیم جوزیه، محمد، مدارج السالکین، ج ۱، ص ۲۲۷).

۱. «قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: إِنَّ اللَّهَ فَضَّلَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى أَهْلِ السَّمَاءِ، وَفَضَّلَهُ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ. قَالُوا: يَا ابْنَ عَبَّاسٍ فِيمَا فَضَّلَهُ اللَّهُ عَلَى أَهْلِ السَّمَاءِ، قَالَ: قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ «وَمَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَهٌ مِنْ دُونِهِ فَذَلِكَ نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ» وَقَالَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ»؛ (طبرانی، سلیمان، المعجم الكبير، ج ۱۱، ص ۲۳۹، ح ۱۱۶۱۰)؛ (بيهقي، أحمد بن الحسين، شعب الإيمان، ص ۳۰۹، ح ۱۴۹).

۲. «إِنَّ اللَّهَ فَضَّلَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَعَلَى أَهْلِ السَّمَاءِ»؛ (دارمی، عبدالله، سنن الدارمی، ج ۱، ص ۱۹۳).

۳. «ففيه دليل على أفضليته على الملائكة»؛ (غمری، نبیل بن هاشم، فتح المنان، ج ۱، ص ۳۹۵).

۴. «هذا حديث صحيح الإسناد»؛ (نیشابوری، حاکم، همان، ج ۲، ص ۳۸۱، ح ۳۳۳۵).

۵. «رِجَالُهُ رِجَالُ الصَّحِيحِ غَيْرِ الْحَكَمِ بْنِ أَبَانَ وَهُوَ ثِقَةٌ»؛ (هیثمی، علی بن ابی‌بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۸، ص ۲۵۴، ح ۱۳۹۲۷).

روایت دوم

ابن ابی شیبہ از عبدالله بن عمر نقل می‌کند:

خداوند ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ را خلیل الله قرار داد. صاحب شما خلیل الله است و همانا محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گرامی‌ترین خلق نزد خداوند است.^۱

همین روایت را طبرانی در معجم الکبیر آورده است؛^۲ اما با وجود اینکه ابن هجر هیشمی این روایت را به خاطر وجود یحیی الحمانی ضعیف دانسته،^۳ یحیی بن معین،^۴ ابن شاهین،^۵ او را توثیق کرده‌اند.

روایت سوم

حاکم نیشابوری در المستدرک از عبدالله بن سلام نقل می‌کند:

گرامی‌ترین خلق خداوند، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌باشد.^۶

حاکم، سند این حدیث را تصحیح کرده و ابن تیمیه درباره آن می‌گوید: من احدی از صحابه را مخالف این روایت ندیدم؛ از طرفی، مشهور بین منتسبین به سنت از اصحاب ائمه اربعه این است که انبیاء و اولیاء، افضل از ملائکه هستند؛^۷ بر اساس همین روایات است که شافعی، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را "خیر خلق رب العالمین" دانسته^۸ و بسیاری مانند سیوطی، تاج‌الدین سبکی، سراج البلقینی، بدرالدین زرکشی، فخر رازی،^۹ سفارینی

۱. «إِنَّ اللَّهَ أَخَذَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا، وَإِنَّ صَاحِبَكُمْ خَلِيلَ اللَّهِ وَإِنَّ مُحَمَّدًا أَكْرَمُ الْخَلْقِ عَلَى اللَّهِ»؛ (ابن ابی شیبہ، عبدالله، المصنّف في الأحاديث والآثار، ج ۶، ص ۳۱۰، ح ۳۱۶۸۵).

۲. طبرانی، سلیمان، المعجم الکبیر، ج ۱۰، ص ۱۴۲، ح ۱۰۲۵۶.

۳. هیشمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۸، ص ۲۵۵، ح ۱۳۹۲۸.

۴. ابن ابی حاتم رازی، عبدالرحمن بن محمد، الجرح والتعديل، ج ۹، ص ۱۷۰، ش ۶۹۵.

۵. ابن شاهین، أحمد بن عثمان، تاریخ أسماء الثقات، ص ۱۵۹، ش ۹۱۰.

۶. «إِنَّ أَكْرَمَ خَلِيقَةِ اللَّهِ عَلَى اللَّهِ أَبُو الْقَاسِمِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: قُلْتُ: يَرْحَمُكَ اللَّهُ فَأَيْنَ الْمَلَائِكَةُ؟ قَالَ: فَتَنْظُرُ إِلَيَّ وَضَجَكَ وَقَالَ: "يَا ابْنَ أُخِي هَلْ تَذَرِي مَا الْمَلَائِكَةُ؟ إِنَّمَا الْمَلَائِكَةُ خَلْقُ كَخَلْقِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَالرِّيحِ وَالسَّحَابِ»؛ (حاکم نیشابوری، محمد، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۶۱۲، ح ۸۶۹۸). (بیهقی، أحمد بن الحسین، شعب الإيمان، ج ۱، ص ۳۰۸، ح ۱۴۸)؛ (همان، دلائل النبوة، ج ۵، ص ۴۸۵).

۷. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، مجموع الفتاوی، ج ۴، ص ۳۴۴.

۸. شافعی، محمد بن ادریس، الأم، ج ۴، ص ۱۶۷.

۹. «سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الحبانک، ص ۲۰۳»؛ «سفارینی حنبلی، محمد بن أحمد، لوامع الأنوار البهیة، ج ۲، ص ۴۰۰».

حنبلی،^۱ نووی^۲ و البجیرمی^۳ بر افضلیت پیامبر ﷺ بر جمیع خلق، ادعای اجماع کرده و وجود مخالف در این باره را نفی کرده و اختلافات را صرفاً محدود در مسئله افضلیت سایر صالحین بشر بر ملائکه می‌دانند. آنان عالی‌ترین مرتبه مخلوقات را متعلق به پیامبر ﷺ می‌دانند.^۴

حال سؤال اینجاست که البانی با وجود این همه آیه و روایت و همچنین، ادعای صریح بسیاری از علماء اهل سنت، مبنی بر وجود اجماع و اتفاق بر افضلیت پیامبر ﷺ بر جمیع مخلوقات الهی، چطور و با تکیه بر چه دلیلی افضلیت پیامبر ﷺ را نفی کرده و وجود هر دلیل محکمی در این باره را نفی می‌کند؟

نتیجه

طبق بررسی‌های انجام شده ثابت شد که یکی از باورهای مسلمین، اعتقاد به افضلیت پیامبر ﷺ بر تمامی بنی آدم و ملائکه می‌باشد. این مسئله در میان مذهب امامیه یک مسئله اجماعی می‌باشد؛ همچنین بسیاری از علماء عامه، بر افضلیت پیامبر ﷺ تصریح کرده و برخی دیگر نیز ادعای اجماع بر ثبوت این مسئله در میان اهل سنت کرده‌اند؛ از طرفی، برخی از بزرگان وهابیت معتقد هستند که پیامبر اکرم ﷺ بر سایر انبیاء و همچنین بر ملائکه افضلیت دارد؛ لذا ادعای البانی در رد افضلیت مطلق پیامبر اکرم ﷺ مردود بوده و به نظر می‌رسد که او با وجود اینکه بسیاری از روایات افضلیت انبیاء و پیامبر ﷺ بر ملائکه را تصحیح کرده، اما برای رد سخن رمضان البوطی در دام انکار افضلیت پیامبر ﷺ افتاده است.

۱. سفارینی حنبلی، محمد بن أحمد، لوامع الأنوار البهیة، ج ۲، ص ۴۰۰-۳۹۸.

۲. نووی، یحیی بن شرف، المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج، ج ۱۵، ص ۳۷.

۳. «أَفْضَلُ الْخَلْقِ عَلَى الْإِطْلَاقِ نَبِيُّنَا إِجْمَاعًا، ثُمَّ الْخَلِيلُ، ثُمَّ الْكَلِيمُ، ثُمَّ عِيسَى، ثُمَّ نُوحٌ، ثُمَّ بَاقِي الْمُرْسَلِينَ، ثُمَّ الْأَنْبِيَاءُ، ثُمَّ الرَّسُلُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ، ثُمَّ بَاقِيَهُمْ، ثُمَّ صَلْحَاءُ الْمُؤْمِنِينَ»؛ (بجیرمی مصری، سلیمان بن محمد بن عمر، تحفة الحیب علی شرح الخطیب، ج ۱، ص ۳۶).

۴. «أَنَّ رَتْبَةَ نَبِيِّنَا أَعْلَى مَرَاتِبِ الْمَخْلُوقِينَ عَلَى الْإِطْلَاقِ»؛ (علماء نجد الأعلام، الدرر السنیه فی الأجوبة النجدیه، ج ۱، ص ۲۳۰)؛ (ابن عبدالوهاب، محمد، أصول الإیمان، ص ۲۱).

منابع

١. قرآن كريم.
٢. ابن ابي زمنين، محمد بن عبدالله، **تفسير القرآن العزيز**، تحقيق: أبو عبدالله حسين بن عكاشة، محمد بن مصطفى الكنز، قاهره: الفاروق الحديثة، چاپ اول، ١٤٢٣ق.
٣. ابن ابي يعلى، محمد، **طبقات الحنابلة**، بيروت: دارالمعرفة، بی تا.
٤. ابن ابي حاتم رازی، عبدالرحمن بن محمد، **الجرح و التعديل**، بيروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ اول، ١٢٧١ق.
٥. ابن أبي عاصم، أحمد، **السنة**، تحقيق: محمد ناصرالدين الباني، بيروت: المكتب الإسلامي، ١٤٢٦ق.
٦. ابن تيميه، احمد بن عبدالحليم، **منهاج السنة النبوية**، تحقيق: محمد رشاد سالم، رياض: جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، چاپ اول، ١٤٠٦ق.
٧. ابن تيميه، احمد بن عبدالحليم، **مجموع الفتاوى**، تحقيق: عبدالرحمن بن محمد بن قاسم، مدينه: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، ١٤١٦ق.
٨. ابن حبان دارمی، محمد، **الثقات**، حيدرآباد، هند: دائرة المعارف العثمانية، چاپ اول، ١٣٩٣ق.
٩. ابن حجر عسقلانی، احمد، **فتح الباري شرح صحيح البخاري**، بيروت: دارالمعرفة، ١٣٧٩ق.
١٠. ابن حزم، علي بن أحمد، **المحلى بالآثار**، بيروت: دارالفكر، بی تا.
١١. ابن حزم، علي بن أحمد، **الفصل**، قاهره: مكتبة الخانجي، بی تا.
١٢. ابن حنبل شيباني، أحمد بن محمد، **العقيدة رواية أبي بكر الخلال**، تحقيق: عبدالعزيز عزالدين السيروان، دمشق: دارقتيبة، چاپ اول، ١٤٠٨ق.
١٣. ابن خزيمة، محمد بن اسحاق، **كتاب التوحيد**، تحقيق: عبدالعزيز بن ابراهيم الشهوان، رياض: مكتبة الرشد، چاپ هشتم، ١٤٣٣ق.
١٤. ابن شاهين، عمر بن أحمد، **تاريخ أسماء الثقات**، تحقيق: صبحي السامرائي، كويت: الدار السلفية الكويت، چاپ اول، ١٤٠٤ق.
١٥. ابن عبدالوهاب، محمد، **أصول الإيمان**، تحقيق: باسم فيصل الجوابرة، عربستان: وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد، چاپ پنجم، ١٤٢٠ق.
١٦. ابن عطيه اندلسی، عبدالحق، **المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز**، تحقيق: عبدالسلام عبدالشافی محمد، بيروت: دارالکتب العلمية، چاپ اول، ١٤٢٢ق.
١٧. ابن قتيبه دينوري، عبدالله بن مسلم، **تأويل مختلف الحديث**، بی جا: المكتب الاسلامي - مؤسسة الإشراف، چاپ دوم، ١٤١٩ق.

١٨. ابن قيم جوزيه، محمد، **مدارج السالكين بين منازل إياك نعبد وإياك نستعين**، تحقيق: محمد المعتمد بالله البغدادي، بيروت: دارالكتاب العربي، چاپ سوم، ١٤١٦ق.
١٩. ابن كثير دمشقي، اسماعيل، **تفسير القرآن العظيم**، تحقيق: محمد حسين شمس الدين، بيروت: دارالكتب العلمية، چاپ اول، ١٤١٩ق.
٢٠. ابن منظور، محمد بن مكرم، **لسان العرب**، بيروت: دار صادر، چاپ سوم، ١٤١٤ق.
٢١. ابويوسف شطيفي، محمد عبدالرحمن، **مباحث المفاضلة في العقيدة**، عربستان: الجامعة الاسلامية، ١٤١١ق.
٢٢. ازدي بلخي، مقاتل بن سليمان، **تفسير مقاتل بن سليمان**، تحقيق: عبدالله محمود شحاته، بيروت: دار إحياء التراث، چاپ اول، ١٤٢٣ق.
٢٣. الباني، محمدناصر الدين، **سلسلة الاحاديث الصحيحة**، رياض: مكتبة المعارف للنشر و التوزيع، ١٤١٥ق.
٢٤. الباني، محمد ناصرالدين، **صحيح الترغيب و الترهيب**، رياض: مكتبة المعارف، چاپ پنجم، بی تا.
٢٥. الباني، محمد ناصرالدين، **إرواء الغليل في تخريج أحاديث منار السبيل**، بيروت: المكتب الإسلامي، چاپ دوم، ١٤٠٥ق.
٢٦. الباني، محمد ناصرالدين، **التوسل أنواعه وأحكامه**، تحقيق: محمدعبد العباسي، رياض: مكتبة المعارف للنشر والتوزيع، چاپ اول، ١٤٢١ق.
٢٧. أجرى، محمد، **الشريعة**، تحقيق: عبدالله الدميجي، رياض: دارالوطن، چاپ دوم، ١٤٢٠ق.
٢٨. باجوري، برهان الدين ابراهيم، **تحفة المرید علی جوهرة التوحيد**، تحقيق: على جمعه، قاهره: دارالسلام، چاپ هفتم، ١٤٣٥ق.
٢٩. بجيرمي مصري، سليمان بن محمد، **تحفة الحبيب على شرح الخطيب**، بيروت: دارالفكر، ١٤١٥ق.
٣٠. بزدوى، ابواليسر محمد، **اصول الدين**، تحقيق: هانز بيتر لنس، قاهره: المكتبة الازهرية للتراث، ١٤٢٤ق.
٣١. بواره كويتي، أبوحنيفة، **أنبس الساري في تخريج و تحقيق الأحاديث التي ذكرها الحافظ ابن حجر العسقلاني في فتح الباري**، تحقيق: نبيل بن منصور، بيروت: مؤسسه السّماحة، مؤسسه الريّان، چاپ اول، ١٤٢٦ق.
٣٢. بغدادى، عبدالقاهر بن طاهر، **اصول الدين**، تحقيق: أحمد شمس الدين، بيروت: دارالكتب العلمية، چاپ اول، ١٤٢٣ق.

۳۳. بغوی، حسین بن مسعود، **معالم التنزیل فی تفسیر القرآن**، تحقیق: عبدالرزاق المہدی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
۳۴. البوطی، محمد سعید رمضان، **فقہ السیرة النبویة**، دمشق: دارالفکر، چاپ پنجم، ۱۴۲۶ق.
۳۵. بیہقی، احمد، **دلائل النبوة**، تحقیق: عبدالمعطی قلعجی، بیروت: دارالکتب العلمیة، دارالریان للتراث، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
۳۶. تفتازانی، مسعود بن عمر، **شرح العقائد النسفیة**، قاہرہ: مکتبۃ کلیات الأزہریة، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
۳۷. ثعلبی، أحمد، **الکشف والبیان عن تفسیر القرآن**، تحقیق: الإمام أبی محمد بن عاشور، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۳۸. جوہری، اسماعیل بن حماد، **الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة**، تحقیق: أحمد عبدالغفور عطار، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷ق.
۳۹. حر عاملی، محمد بن حسن، **الفصول المهمة**، تحقیق: محمد بن محمد الحسین القائینی، قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۴۰. حمّصی رازی، سدیدالدین، **المنقذ من التقليد**، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۴۱. خطابی، أبوسلیمان، **معالم السنن**، حلب: المطبعة العلمیة، چاپ اول، ۱۳۵۱ق.
۴۲. دارمی، عبدالله، **سنن الدارمی**، تحقیق: حسین سلیم أسد الدارانی، عربستان: دار المغنی للنشر والتوزیع، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۴۳. دمیحی، عبدالله بن عمر، **الإمامة العظمی عند أهل السنة و الجماعة**، بی جا: چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
۴۴. رازی، فخرالدین، **مفاتیح الغیب**، بیروت: دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۲۵ق.
۴۵. رازی، ابن أبی حاتم، **تفسیر القرآن العظیم لابن أبی حاتم**، تحقیق: أسعد محمد الطیب، عربستان: مکتبۃ نزار مصطفی الباز، چاپ سوم، ۱۴۱۹ق.
۴۶. راغب اصفهانی، محمد بن مفضل، **معجم مفردات الفاظ القرآن**، تحقیق: ابراهیم شمس الدین، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ سوم، ۲۰۰۸م.
۴۷. زجاج، ابراهیم بن سری، **معانی القرآن و إعرابه**، تحقیق: عبدالجلیل عبده شلبی، بیروت: عالم الکتب، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
۴۸. سراج نیشابوری، محمد بن إسحاق، **مسند السراج**، تحقیق: إرشاد الحق الأثری، فیصل آباد، پاکستان: إدارة العلوم الأثریة، ۱۴۲۳ق.

٤٩. سيوطى، عبدالرحمن بن أبى بكر، **إتمام الدراية لقراء النقاية**، تحقيق: إبراهيم العجوز، بيروت: دارالكتب العلمية، چاپ اول، ١٤٠٥ق.
٥٠. سيوطى، عبدالرحمن بن أبى بكر، **التوشيح شرح الجامع الصحيح**، تحقيق: رضوان جامع رضوان، رياض: مكتبة الرشد، چاپ اول، ١٤١٩ق.
٥١. سيوطى، عبدالرحمن بن أبى بكر، **الحبائك**، تحقيق: محمد السعيد بن بسيوني زغلول، بيروت: دارالكتب العلمية، چاپ اول، ١٤٠٥ق.
٥٢. سيوطى، عبدالرحمن بن أبى بكر، **الدر المنثور في التفسير بالمأثور**، بيروت: دارالفكر، بيروت، بى تا.
٥٣. شافعى، محمد بن ادريس، **الأم**، بيروت: دارالمعرفة، ١٤١٠ق.
٥٤. ابن بابويه (صدوق)، محمد بن على، **الاعتقادات**، تحقيق: مؤسسة الامام الهادى، قم: پیام امام هادى عليه السلام، چاپ دوم، ١٤٣٢ق.
٥٥. ابن بابويه (صدوق)، محمد بن على، **عيون أخبار الرضا**، بيروت: منشورات مؤسسة الاعلمي للمطبوعات، ١٤٠٤ق.
٥٦. طبرى، محمد بن جرير، **جامع البيان في تأويل القرآن**، تحقيق: أحمد محمد شاكر، بيروت: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ١٤٢٠ق.
٥٧. ابن عثيمين، محمد بن صالح، **الكنز الثمين تفسير ابن عثيمين**، تحقيق: عادل بن سعد، بيروت: ناشر، چاپ اول، ١٤٣١ق.
٥٨. علماء نجد الأعلام، **الدرر السنية في الأجوبة النجدية**، تحقيق: عبدالرحمن بن محمد بن قاسم، بى جا: بى نا، چاپ ششم، ١٤١٧ق.
٥٩. غمرى، نبيل بن هاشم، **فتح المنان شرح و تحقيق كتاب الدارمي**، عربستان: دار البشائر الإسلامية، المكتبة المكية، چاپ اول، ١٤١٩ق.
٦٠. فاضل سيورى حلى، مقداد بن عبدالله، **ارشاد الطالبين الى نهج المسترشدين**، تحقيق: سيدمهدي رجائى، قم: مكتبة المرعشى، چاپ دوم، ١٤٣٣ق.
٦١. فراهيدى بصرى، خليل بن أحمد، **كتاب العين**، تحقيق: مهدي المخزومى، بى جا: دار ومكتبة الهلال، بى تا.
٦٢. قاضى يحصبى، عباس بن موسى، **الشفاء بتعريف حقوق المصطفى**، عمان: دار الفيحاء، چاپ دوم، ١٤٠٧ق.
٦٣. قرطبى، محمد، **الجامع لأحكام القرآن**، تحقيق: أحمد بردونى، قاهره: دارالكتب المصرية، چاپ دوم، ١٣٨٤ق.

٦٤. قشیری، عبدالکریم بن هوازن، **لطائف الإشارات**، تحقیق: إبراهيم البسیونی، مصر: الهيئة المصرية العامة للكتاب، چاپ سوم، بی تا.
٦٥. لالکائی، هبة الله، **شرح أصول اعتقاد أهل السنة والجماعة**، تحقیق: أحمد بن سعد الغامدی، ریاض: دار طيبة، چاپ هفتم، ١٤٢٣ق.
٦٦. محقق حلی، جعفر بن حسن، **المسلك في أصول الدين**، تحقیق: رضا استادی، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، ١٤١٤ق.
٦٧. نسفی، عبدالله، **مدارك التنزيل وحقائق التأويل**، تحقیق: یوسف علی بدیوی، بیروت: دارالکلم الطیب، چاپ اول، ١٤١٩ق.
٦٨. نظام الدین نیشابوری، حسن، **غرائب القرآن و رغائب الفرقان**، تحقیق: شیخ زکریا عمیرات، بیروت: دارالکتب العلمية، چاپ اول، ١٤١٦ق.
٦٩. نووی، یحیی بن شرف، **المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج**، بیروت: دار إحياء التراث العربي، چاپ دوم، ١٣٩٢ق.
٧٠. هیثمی، علی بن ابی بکر، **مجمع الزوائد و منبع الفوائد**، تحقیق: حسام الدین القدسی، قاهره: مكتبة القدسي، ١٤١٤ق.

